

"بر زمینت میزند نادان دوست"

دوستان نادان، واقعاً غم جان اند و حیف نان و "احمد ضیاء مسعود" هم از همین جمع است که چپ و راست و دانسته و نادانسته بر مرده برادر خود "احمدشاه مسعود" ضربه وارد میکند و برادر و کارروائی های آنچنانی اش را هزارگاهی از عمق به سطح می آورد.

چندی قبل گرانقدر گرامی "مایار" صاحب نوشته از فیس بوک "احمد ضیاء مسعود" را در مدح "احمدشاه مسعود" با تعداد بیشماری از نظریات هموطنان بدون اندک تصرفی در معرض دید و قضاوت مردم گذاشتند که دم شان گرم. این کمترین هم چند سطری در مورد نوشتیم.

از قضا آن مختصر مورد توجه خاص قلم به دست توانا، محترم و گرامی "عباسی" صاحب قرار گرفت و نظر دادند که آن مختصر را به شکل یک مضمون مستقل منتشر سازیم، به نظر شان ارج گذاشته و اینک با اندک اصلاحات به اضافه لیست جنایات آن قهرمان جنگ و جنایت خدمت هموطنان تقدیم است.

نظرات هموطنان در مورد "احمد شاه مسعود" در (فیس بوک) برادرش، "احمد ضیاء مسعود"، مشت نمونه خروار و قطره ای از ابحار نفرت مردم از این برادران نابکار است، اما به گفته شاعر چه کنیم اینها "گوش کری دارند". شاعر دیگری در مورد اینگونه اشخاص و افراد چه خوش گفته است:

گوش کر بفروش، گوش خر بخر

گوش خر بهتر بود از گوش کر

و اما در مورد "احمد شاه مسعود" قراری که می دانید در زمان شهید "داوود خان" به پاکستان رفت، زیر نظر مقامات نظامی "آی. اس. آی." تعلیمات و تمرینات جنگ های چریکی و ایجاد اغتشاش را فرا گرفت، به پنجشیر فرستاده شد، اغتشاش به راه انداخت؛ اما به کمک مردم منطقه به شکست مواجه گردیده و دوباره به پاکستان فرار کرد.

پاکستانی ها وی را مدتی به فلسطین اعزام کردند تا بیشتر در جبهات شیوه جنگ های چریکی و استفاده از مواد منفجره را فرا گیرد.

"الکساندر لیاخفسکی" در کتاب خود بنام "توفان در افغانستان" در مورد اعزام مسعود به مصر و لبنان چنین آورده است: "... پس از سرکوب توطئه پنجشیر (۱۹۷۵)، به مهاجرت پرداخت (به مصر و لبنان) و در آنجا پیگیرانه در نبرد ها و عملیات دهشت افگانه در ترکیب گروه های جنگی فلسطینی (در برابر اسرائیل) اشتراک ورزید... صفحه ۹۲

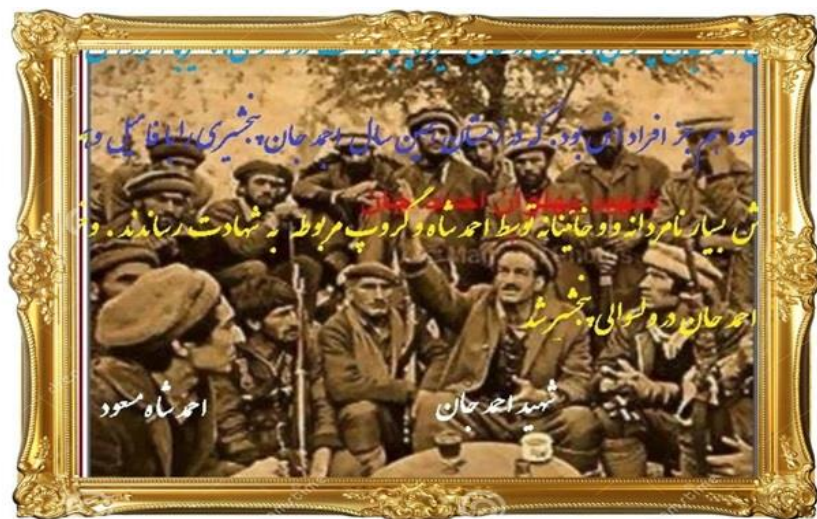
همچنان سفر احمدشاه مسعود به مصر را "محمود قاریف" مشاور بلند پایه نظامی روسی در افغانستان در کتاب "افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی" نیز تائید میکند و در صفحه ۱۰۱ چنین تذکر میدهد: "...پس از سرکوب این گروه و یک رشته شکست ها، مسعود به پاکستان گریخت. در پاکستان او نتوانست با حکمتیار کنار آید. سپس به مصر رفت. مدارکی در دست است که نزدیک به ۲ سال در برابر اسرائیل دوشادوش دسته های سازمان آزادیبخش فلسطین رزمیده بود...".

می گویند بعد از برگشت دوباره به پاکستان، روس ها او را به یک اکادمی نظامی در روسیه فرستادند و تحت نظر جنرالان روسی تعلیمات نظامی دید. تا جائیکه بخاطر دارم نام آن اکادمی نظامی روسیه "فرونز" بوده است، یکی از جنرالان روسی در کتاب خود این سخن را تائید کرده است. با تأسف که نام آن کتاب و جنرال روسی نویسنده آنرا به یاد ندارم، اگر ضرورت احساس شد و فرصتی دست داد در آینده در مورد روشنی خواهم انداخت.

در نوشته مختصری که در درجه نظرخواهی گذاشتم، اشتباهی را مرتکب شده و بجای "لیز نورستان"، "کولاب پنجشیر" نوشته بودم، اما بعد از تذکر محترم "عباسی" صاحب در مورد کولاب، به نوشته محترم "موسی هستی" در مورد مراجعه کرده و از اشتباهی که مرتکب شده بودم معذرت می خواهم و یک قسمت از مضمون متذکره جناب "موسی عثمان هستی" را در اینجا می آورم:

محترم "سید موسی عثمان هستی" در یکی از نوشته های شان می نویسند:

"... بعد از اینکه اولین بار من افشا کردم که احمدشاه مسعود بعد از جنگ پنجشیر در زمان داوود در پاکستان تعلیمات نظامی توسط آی اس آی دیده بود با سیزده نفر بعد از به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک افغانستان به لیز نورستان آمد و ما او را از لیز نورستان به پنجشیر آوردیم، حفیظ منصور که از نزدیکان احمدشاه مسعود است ناگزیر شد تا حرفهای مرا تائید کند و به طرفداران احمدشاه مسعود راه نماند که بگویند احمدشاه مسعود در پاکستان از نمک خوران آی اس آی نبوده و مخالف پاکستان بوده، اگرچه نمک حرامی احمدشاه مسعود در قتل وبه شهادت رساندن پهلوان احمدجان و دیگر همزمان خودش مثل کفایت الله ثابت شده است..."



در آن زمان "پهلوان احمد جان" قوماندان مجاهدین پنجشیر بود. می گویند پهلوان احمد جان از اینکه آنان با مقامات پاکستانی در داد و معامله بودند، اطلاع داشت و مخالف شمول آنان در صفوف مجاهدین پنجشیر بود، اما با پا در میانی یک تعداد افراد به شمول محترم "سید موسی عثمان هستی" که فعلاً در کانادا تشریف دارند، آن جمع ۱۲ نفره به خدمت زنده یاد "پهلوان احمد جان" آورده شدند و بعد ها "احمد شاه مسعود" با توطئه چینی پهلوان احمد جان و چندین قومندان دیگر را در پنجشیر به قتل رساند.

بعد ها دیده شده که ۳۶ نفر از قومندانان ورزیده، تحصیل کرده و با تجربه در جنگ های چریکی توسط احمد شاه مسعود در اثر یک توطئه دیگر، اسیر گردیدند و زنده زنده در دریای پنجشیر انداخته شده و به قتل رسیدند.

احمد شاه مسعود آن عمل سخیف را به کردن یکی از قوماندانان حزب اسلامی گلبدین انداخت، او را دستگیر و اعدام کرد و در حقیقت با یک تیر چندین نشانه را هدف گرفت. هم قوماندانان ورزیده را از سر راه خود برداشت و هم قوماندان حزب اسلامی را و نیز مناطق تحت تصرف حزب اسلامی را اشغال کرد و گلیم حزب را از آن منطقه جمع نمود.

و اما اینکه زنده یاد "جنرال مستغنی" از پلان یک کودتا به گلبدین اطلاع داده باشد و بعد به آن عمل نکرده باشد، باید خدمت عرض کرد که آن جنرال ورزیده و با دسپلین، یکی از سرسپردگان شهید "داوود خان" بود و همیشه به آن دوستی وفادر ماند، اما امکان آن شاید وجود داشته بوده باشد که نظر با تاکتیک های جنگی و رزمی دست به چنین عملی زده باشد، یعنی با اطلاعات نادرست به دشمن در صدد افشای عمال دشمن برآمده بوده باشد که در نخستین قدم سرکوب اغتشاش احمد شاه مسعود و فرستادگان سازمان جاسوسی پاکستان در پنجشیر را دربر داشت و بعد هم گرفتاری اعضای حزب اسلامی و اعدام آنها.

البته این فقط می تواند در حد یک حدس و گمان مطرح شود، چون هرگز در مورد آن گویا "کودتا" افشاگری صورت نگرفت، ورنه "جنرال مستغنی" کجا و گلبدین کجا.

با اظهار امتنان از حسن نظر و ذره نوازی دوستان و همکاران گرانقدر محترمان ملال جان نظام و جناب عباسی صاحب و نظر به وعده قبلی اینک لیست کشتگان دستان خون آلود احمدشاه مسعود و باند شورای نظاری اش خدمت هموطنان تقدیم است که فقط مشتمل نمونه خروار از جنایات بی شمار این جمع بی همه چیز است.

لیست ذیل از نوشته محترم "سید موسی عثمان هستی" گرفته شده است که خود شاهد زنده قضایا در آن زمان در پنجشیر بوده است که بعد از یک سوء قصد ناجوانمردانه شدیداً زخم برداشته و بصورت معجزه آسا توسط دوستان از مرگ حتمی نجات داده می شود و جهت تداوی مخفیانه به پاکستان انتقال داد می شود و بعد هم توسط "آی اس آی" از داخل یک شفاخانه دستگیر و زندانی میگردد.

"...حین بازگشت احمدشاه مسعود به پنجشیر از جوزای ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹ یکتعداد مبارزین واقعی را غیر از پهلوان احمدجان قهرمان ملی، وطن پرستان دیگر را در آن زمان که هنوز با آی اس آی روابط تنگاتنگ داشت از مکرهای روباهی کارگرفته به شهادت رساند. عظیم فارغ تحصیل ابوحنیفه از منطقه گلاب خیل کهمرد، شجاع و وطن پرست بود، اولین کسی است که احمدشاه مسعود را بزکوهی مینامید. شخص دیگر معلم دین محمد پنجشیری، معلم نورمحمد مشهور به آرتوس، تاج و وصال از پایین پنجشیر از قریه تاوخ خواجه مرزا از قریه سنگین خان با

یاران اش میرحسین و برادرش از دوستان و یاران جانانجانی خود، مسعود از قریه بابیه ولی، فاروق، رزاق، سیف الدین از جمله سرگروپ ها بودند. از قریه آرمان در حدود پنجاه نفر با این شهدا همفکران و همسنگران شان به جرم همکاری با این سه نفر کشته می شوند. مجاهدین اندراب را به خاطریکه تن به احمدشاه مسعود نمی دادند در کمین ها توسط دار و دسته مسعود کشته شدند. نصرالله خان پشغور در یک شبخون توسط احمدشاه مسعود نابود می شود. غیر از اینها بشمول ولی نعمت اش پهلوان احمدجان صد ها نفر دیگر را کشت تا بالاخره به نام آمرصاحب مشهور شد. در این کشتار پول و زمرد قیوم نقش بیشتر داشته است. مشیت نمونه خروار:

سی و پنج نفر سامائی که از کوی صافی در اثر فشارحزب اسلامی فرار کرده بودند توسط احمدشاه مسعود زنده به دریا انداخته شدند.

در ذیل از جمله این سرفرازان و قربانیان جنایت هولناک باند اخوانی احمدشاه مسعود مناقق و نامرد، مشیت نمونه خروار نام برده و یاد می کنیم و محل زادگاه شان را به اساس تقسیمات اداری همان وقت کشور می آوریم: بخاطری که بهتر بشناسید که احمدشاه مسعود در قتل کدام اشخاص مستقیم دست داشت این لستی که تکراری هم آمده خدمت خوانندگان و علاقمندان تاریخ معاصر افغانستان تقدیم کردم:

۱- الحاج پهلوان احمد جان صدیق فرزند جگرن محمد صدیق قهرمان کشتی و قبلاً رئیس ملی المپیک افغانستان از قریه سفید چهر ولسوالی پنجشیر ولایت پروان (فعالاً ولایت پنجشیر).

۲- معلم کرام الدین فرزند ملا محمد از قریه ملسپه بازارک ولسوالی پنجشیر ولایت پروان.

۳- محمد غفار فرزند احمد بیگ پسر کاکای پهلوان احمد جان در جریان درگیری در سفید چهر به شهادت رسید.

۴- قل محمد فرزند حبیب الله کارگر "لودر کار" در پروژه حفظ و مراقبت سالنگ ها. از قریه گلاب خیل در دره پارانده به همراه نفرات شماره (۷-۶) به شهادت رسید.

۵- تاج محمد فرزند غوله مرزا از قریه سنگی خان ولسوالی پنجشیر ولایت پروان. باسواد. قبل از شهادت دهقان.

۶- قاضی محمد عظیم فرزند محمد ابراهیم فارغ صنف (۱۴) دارالعلوم کابل. از قریه لاله خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

۷- غلام حسین فرزند محمد امیر محصل دانشکده ادبیات. از قریه گلاب خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

۸- محمد مراد فرزند محمد محسن از قریه جهر علی منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

۹- امرالدین فرزند نجم الدین دهقان از."

۱۰- معلم محمد دین فرزند سلطان. فارغ دانشکده (پوهنخی) ادبیات. از قریه گلاب خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

۱۱- محمد صادق فرزند بلند خان فارغ صنف (۱۲) از قریه قلعه ترخه منطقه دره ولسوالی پنجشیر.

۱۲- ملا عبدالجلیل فرزند محمد افضل از قریه باباعلی، پدر عبدالحفیظ آهنگرپور ولسوالی پنجشیر. به جرم پدر حفیظ بودن.

۱۳- معلم محمد نور فرزند ملا مرزا محمد از قریه باباعلی ولسوالی پنجشیر. فارغ صنف ۱۴ دارالمعلمین پروان.

- ۱۴- عبدالقاروق فرزند نیک محمد برادر زاده وکیل اختر محمد خان. متعلم لیسه صنایع کابل. از قریه باباعلی ولسوالی پنجشیر.
- ۱۵- محمد زارق فرزند لنگر خان. نواسه کاکای وکیل مذکور. از قریه باباعلی فارغ صنف نهم. ولسوالی پنجشیر.
- ۱۶- نظر محمد فرزند سکندر. قبلاً مأمور دولت. از قریه کرامان منطقه دره ولسوالی پنجشیر.
- ۱۷- جانگل فرزند امیرخان فارغ صنف (۱۲). قبلاً مأمور دولت. از قریه کرامان منطقه دره ولسوالی پنجشیر.
- ۱۸- محمد اکبر فرزند عبدالجلیل متعلم صنف (۱۲) از قریه کرامان منطقه دره ولسوالی پنجشیر.
- ۱۹- دولت خان فرزند سید محمد. دهقان. از قریه پسگران ولسوالی پنجشیر.
- ۲۰- محمد نعیم فرزند بابه خان فارغ صنف (۱۲) از قریه پسگران ولسوالی پنجشیر.
- ۲۱- محمد رازق فرزند سیدخان از قریه تنخو دره عبدالله خیل منطقه دره ولسوالی پنجشیر.
- ۲۲- عبد الرحیم فرزند محمد کریم از قریه سفید چهر ولسوالی پنجشیر. بعد از مدت چند ماه زندانی بودن در منطقه دره، به شکل انفرادی به شهادت رسید.
- ۲۳- انجنیر محمد عمر فرزند احمد دین از قریه ملسیه بازارک ولسوالی پنجشیر.
- ۲۴- محمد صدیق فرزند... از قریه ملسیه بازارک ولسوالی پنجشیر.
- ۲۵- شمس الدین فرزند... از قریه پاراخ رخه. سه روز پس از عروسی اش دستگیر شد. ولسوالی پنجشیر.
- ۲۶- علم آغا گل فرزند... ولسوالی پنجشیر ولایت پروان.
- ۲۷- معلم خواجه مرزا فرزند... ولسوالی پنجشیر ولایت پروان.
- ۲۸- معلم محمد ایوب فرزند آغامیر خان از قریه باباعلی توسط رژیم خلقی در تپه های گل غوندی بر فراز شهر چاریکار مرکز ولایت پروان به شهادت رسید.

جاودانه باد یاد این سرفرزان تاریخ و کشته گان دست خون آلود اخوان!

اینهم یک سند دیگر:

Nasir Ahmed Dastgeer}

۲۰۱۰, ۱۳December

هویت اصلی احمد شاه مسعود

به استناد اسناد اداره استخبارات نظامی اتحاد شوروی

در سال ۱۹۹۵ که اتحاد شوروی دیگر از هم پاشیده بود، در تلویزیون روسیه پروگرامی تحت عنوان « اشد محرم » آغاز به کار کرد که اسناد محرم استخبارات شوروی را افشأ و به نمایش میگذاشت. یکی از پروگرام های « اشد محرم » در مورد احمد شاه مسعود بود و با مصاحبه ژورنالستان روسی در دره پنجشیر با احمد شاه مسعود آغاز میگردد چنین آمده است.

ترجمه:

اشد محرم

از دوسیه احمد شاه

اداره استخبارات قرار گاه مرکزی قوت های مسلح اتحاد شوروی سوسیالستی
احمد شاه پسر دوست محمد جان، متولد ۱۹۵۳ در دره پنجشیر، ملیت تاجک، مسلمان سنی، مدرسه ابوحنیفه را به
اتمام رسانیده و در پوهنتون کابل درس خوانده، جائیکه به سازمان جوانان مسلمان پیوست که توسط مخالفین دولت،
ربانی و حکمتیار رهبری میشد.
احمد شاه در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۷ در مراکز نظامی لیبیا و مصر تعلیمات نظامی دیده و در آنجا سهم فعال در
فعالیت های جنگی و عملیات ترورستی در جمع گروپ های فلسطینی داشته و تجربه های جنگ پارتیزانی در
کشور های شرق نزدیک، امریکای لاتین و جنوب شرق آسیا را آموخته است. {
این بود یک نمونه کوچک از کارروائی های دوست نادان که چگونه برادرش را بر زمین زد و میزند هنوز!

دشمن دانا که غم جان بود

به از آن دوست که نادان بود

یار زنده و صحبت باقی...